دیدارهای رمضانی رهبر انقلاب با دانشجویان در سال‌های گذشته نکات راهبردی مهمی داشته است

سوال‌های مهم بپرسید، جواب‌های تاریخی بگیرید

ابوالفضل مظاهری
دبیرگروه دانشگاه

ارزش همه ثانیه‌ها و دقیقه‌ها مثل هم نیست. برخی دقایق می‌توانند کار چند سال کشور را هم پیش اندازند. مثال برای این مطلب البته کم نیست اما شاید مقصود اصلی ما از بیان این موضوع دورترین مساله‌ای باشد که به ذهن مخاطب برسد! صحبت از فرصت چنددقیقه‌ای ایراد سخن در برابر شخص اول کشور است. فضایی که رهبر انقلاب هرسال در ماه مبارک رمضان به دانشجویان اختصاص می‌دهند و پذیرای نقطه نظرات و پیشنهادات آنها می‌شوند. دقایق ارزشمندی که می‌تواند گره‌گشای پیچیدگی‌ها و مسائل اصلی جامعه ایرانی باشد. همانگونه می‌توان برای آن نمونه‌های مختلفی از دیدارهای چند دهه رهبر انقلاب با دانشجویان آورد. در فاصله یک روز مانده تا برگزاری دیدار رمضانیه رهبر معظم انقلاب با دانشجویان به بازخوانی برخی از مواضع مهم و به‌یادماندنی و البته تاثیرگذار دانشجویان در سال‌های اخیر پرداختیم. نمونه‌هایی که هرکدام در فعالیت‌های مختلف کشور تاثیرات مختلفی داشتند.

گفتمان عدالت و مساله کارآمدی نظام اسلامی

دهم آبان‌ماه ۸۳ فرصت دیگری برای دانشجویان فراهم می‌شود تا دیدگاه‌های خود را بی‌پرده با رهبر انقلاب مطرح کنند. رهبری در ابتدا تکریم دانشجو و دانشگاه، کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌های دانشجویی و شنیدن اظهارات نخبگان و نمایندگان تشکل‌ها را سه هدف اصلی برگزاری جلسات رمضانیه مطرح می‌کنند و سپس تریبون در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد. پنجمین نفر پرویز امینی، دبیر اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل ابتدا اشکالات دو نسخه کارآمدسازی انقلاب اسلامی پس از دفاع مقدس یعنی گفتمان توسعه اقتصادی و گفتمان توسعه سیاسی را طرح، گفتمان عدالت را به‌عنوان یکتا راهبرد کارآمدی نظام اسلامی معرفی می‌کند. امینی سه ضلع جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم، مبارزه‌ی بی‌امان، قاطع و همه‌جانبه با ریشه‌ها و مظاهر فساد اقتصادی و پاسخگویی حاکمیت به مردم را سه ضلع اصلی گفتمان عدالت مطرح می‌کند. او در روزهایی که نقد به دستگاه قضا امر چندان معمولی قلمداد نمی‌شود، صریح و بی‌پرده انتقاداتی را هم متوجه قوه قضائیه می‌کند. برخلاف قاعده معمول که رهبری پس از پایان صحبت دانشجویان پاسخ‌ها و نظرات خود را مطرح می‌کردند، این بار بلافاصله نکات خود را نسبت به دیدگاه‌های این دانشجو درخصوص مساله کارآمدی و گفتمان عدالت ارائه می‌کنند: «چیزی که شما باید به آن اهتمام داشته باشید، خواست است. خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است. این خواست‌ها باید وجود داشته باشد... گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و - همان‌طور هم که چند روز پیش در جلسه‌ای مطرح کردم همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه‌گیر کنید؛ به‌گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود، یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه‌وار و معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیانا کوتاهی‌هایی هم شده؛ اما باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه قهری نحوه بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه به‌شدت معترض است؛ نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می‌کنید؛ اصلا همه تلاش‌تان این است که نظام را پیش ببرید. هرچه می‌توانید، جزئیات را تکمیل کنید.»

پایان مناقشه با عبارت «ضدولایت فقیه»

سال ۸۶ یکی دیگر از سوالات مهم و تاثیرگذار در جریان دیدارهای دانشجویی توسط مرتضی فیروزآبادی، دبیر وقت جنبش عدالتخواه دانشجویی مطرح شود. در زمانی که نیمی از عمر دولت نهمین گذشته، برخی انتقادات نسبت به دولت برنمی‌تابند و آن را مخالف با منویات رهبری قلمداد می‌کنند. او می‌گوید عده‌ای برخی امور را به انحای مختلفی به رهبری منصوب می‌کنند و برای توجیه آن از رهبری مایه می‌گذارند. مثال‌هایی از کلیدواژه‌های این افراد هم مطرح می‌کند. در بخش دیگری از سخنانش از رهبری درخواست مهمی دارد: «چقدر خوب است که رهبری یکبار واژه ضدولایت فقیه را تعریف کنند که بار معنی خاص نداشته باشد. چند مثال عینی و ملموس بگوییم. درقبال سیاست‌های اصل ۴۴ برخی دلسوزان نظام نسبت به عواقب اجرای نادرست و اجرای شتاب‌زده آن ابراز نگرانی کردند اما از بیم آنکه سخنان‌شان نقد سخنان رهبری تلقی شود، از طرح دیدگاه‌های خودشان در فضای عمومی خودداری می‌کنند.» رهبری در پاسخ با بیانی راهگشا به برداشت‌های متناقض از این عبارت پایان می‌دهند: «یک نکته دیگر که در دنباله آن مطالبه دانشجویی عرض می‌کنم، این است که مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. اینکه ماگفتیم گاهی اوقات معارضه با مسئولان کشور نشود- که الان هم همین را تاکید می‌کنیم؛ معارضه نباید بشود- این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ درباره رهبری هم همینجور است. این برادر عزیزمان می‌گوید «ضدولایت فقیه» را معرفی کنید. خوب، «ضد» معلوم است معنایش چیست؛ ضدیت، یعنی پنجه درافکندن، دشمنی کردن؛ نه معتقد نبودن. اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نیستم؛ ممکن است کسی معتقد به کسی نیست. البته این ضدولایت فقیه که در کلمات هست، آیه منزل از آسمان نیست که بگوییم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به‌هرحال یک عرفی است. اعتراض به سیاست‌های اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد.»

تابوشکنی از نقد صداوسیما

زهرا سلطانی، نماینده اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل در مهر سال ۸۷ یکی دیگر از مواضع مهم و به یادماندنی دانشجویان در دیدار رهبری را مطرح می‌کند. درحالی‌که وزارت کشور دولت نهم در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری از اواخر اردیبهشت با سرپرست اداره می‌شود، علی کردان در مردادماه به‌عنوان وزیر رای اعتماد می‌گیرد. شخصیتی که حواشی متعدد درخصوص عملکرد و مدارک تحصیلی او جنجالی به پا کرد که به استیضاحش در نیمه آبان همان سال منجر شد. سلطانی هم در سخنانی با انتقاد از انتصاب کردان به‌عنوان وزیر کشور از مجلس به‌خاطر کوتاهی در پرونده پیگیری مدرک کردان انتقاد کرد و گفت: «چرا در این ماجرا قوه قضائیه ورود پیدا نکرده است؟ چرا مجلس به‌دقت بررسی نکرده است؟ و چرا خود وزیر کشور پاسخگوی رسانه‌ها و مردم نیست؟» سلطانی از خود کردان به‌علت ایجاد بحران روانی در کشور انتقاد کرد که با واکنش مثبت دانشجویان همراه شد. وی نقدهای جدی هم به صداوسیما دارد و در سخنرانی خود می‌گوید برخی به‌خاطر اینکه صداوسیما زیرنظر شما.رهبری. اداره می‌شود اجازه نقد را به ما نمی‌دهند. او از رهبری درخصوص تایید این وضعیت سوال می‌کند. رهبر انقلاب هم ضمن تمجید از صراحت کلام دانشجویان، آن را یکی از خصوصیات دانشجو معرفی می‌کنند و تاکید دارند تا «دانشجو حرفش را روشن و صریح و آشکار بزند و دچار سیاسی‌کاری نشود.» رهبری در ادامه پاسخ روشنی هم به سوال سلطانی می‌دهند: «یکی از این اعتراض‌ها، اعتراض به صداوسیما بود و اینکه بعضی می‌گویند اگر چنانچه صداوسیما را نقد کنیم، برخلاف رهبری مطلبی گفته‌ایم؛ چرا؟ چون رهبری رئیس صداوسیما را معین می‌کند! اگر واقعا ملاک این باشد، که آدم باید به هیچ‌کس اعتراض نکند، چون رئیس قوه قضاییه را هم رهبری انتخاب می‌کند، رئیس‌جمهور هم بعد از انتخابات، تنفیذ رهبری دارد؛ می‌گوید نصب کردم. پس باید به هیچ‌کس اعتراض نکرد. نه آقا، اولا صداوسیما را رهبری اداره نمی‌کند؛ این معلوم باشد. صداوسیما را رئیس صداوسیما اداره می‌کند و رهبری هم در موارد زیادی اعتراض‌هایی دارد. همین اعتراض‌هایی که شما دارید، بعضی‌هایش یا خیلی‌هایش، اعتراض‌های ما هم هست. احتمالا اعتراض‌های دیگری هم هست که چون برای من از جوانب مختلف گزارش می‌آورند - با اینکه خود من ممکن است به قدر شما تماشاچی تلویزیون یا گوش‌کننده رادیو نباشم - اطلاعاتم زیاد است. به وضع صداوسیما اعتراض‌هایی هم می‌کنیم، اشکالاتی هم می‌گیریم، گاهی با آنها دعوا هم می‌کنیم. بالاخره آنها هم ضرورت‌هایی دارند و جواب می‌دهند؛ گاهی جواب‌شان درست است، گاهی هم نادرست است. به‌هرحال اعتراض هست و انتقاد شما از صداوسیما مطلقا به رهبری منتقل نمی‌شود. شما حق دارید انتقاد کنید؛ هیچ اشکالی ندارد.»

مرزبین وحدت و خالص‌سازی

اغتشاشات سال ۸۸ فضای سیاسی کشور را پس از جشن ملی انتخابات ریاست جمهوری دگرگون کرد. زمزمه‌های جدیدی از در فضای دسته‌بندی‌های سیاسی شنیده می‌شود که متاثر از نحوه مواجهه شخصیت‌های سیاسی و مواضع آنها در ایام فتنه است. هرچه به انتخابات مجلس شورای اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم توجه به این دسته‌بندی‌ها هم بیشتر می‌شود. موضوعی که ابهاماتی در اذهان دانشجویان ایجاد کرده است. آخرین روز از مردادماه زمان خوبی است برای آنکه یکی از نمایندگان دانشجویی حاضر در دیدار رهبری سوال خود را از رهبر انقلاب بپرسد. محمدمهدی مقام‌فر، نماینده بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها گریزی به این موضوع می‌زند و می‌پرسد: «پس از ماجرای ۹ دی سال گذشته (سال ۸۸) خون تازه‌ای در رگ‌های انقلاب جاری شد و این یک پیروزی بر فتنه‌های سال گذشته بود، اما متاسفانه برخی خواص در این ماجرا سکوت کردند یا اینکه در آتش فتنه دمیدند. اکنون در آستانه انتخابات مجلس هستیم، برخی می‌گویند وحدت و برخی از خالص‌سازی انقلاب دم می‌زنند، حال از مقتدایمان این سوال را داریم که شما کدام را توصیه می‌کنید؟» رهبر انقلاب با موضعی شفاف به سوال او پاسخ می‌دهند: «یک سوال دیگر این است که بعضی‌ها می‌گویند وحدت، بعضی‌ها می‌گویند خلوص؛ شما چه می‌گویید؟ من می‌گویم هر دو. خلوص که شما مطرح می‌کنید - که ما بایست از فرصت استفاده کنیم و حالا که غربال شد، عده‌ای را که ناخالصی دارند، از دایره خارج کنیم - چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و با حرکت تند و فشارآلود به وجود بیاید؛ خلوص در یک مجموعه به این صورت حاصل نمی‌شود؛ ما به این مأمور هم نیستیم... وحدت هم که ما گفتیم - که بعد سوالات دیگری هم در این زمینه شده - منظور من اتحاد بر مبنای اصول است. بنابراین وحدت با کیست؟ با آن کسی که این اصول را قبول دارد. به همان اندازه‌ای که اصول را قبول دارند، به همان اندازه ما با هم مرتبط و متصلیم؛ این می‌شود ولایت بین مومنین. آن کسی که اصول را قبول ندارد، نشان می‌دهد که اصول را قبول ندارد یا تصریح می‌کند که اصول را قبول ندارد، او قهرا از این دایره خارج است. بنابراین با این تفصیل و توضیحی که عرض شد، هم طرفدار وحدتیم، هم طرفدار خلوصیم.»

البته این دیدار نقطه عطف دیگری هم دارد. محمد افکانه، نماینده اتحادیه مستقل هم در صحبت‌هایش به اختلافات پرحاشیه و دامنه‌دار اطرافیان رئیس‌جمهور پرداخت و به نگرانی‌های جریان انقلابی نسبت به دولت دهم پرداخت. رهبری در واکنش به این اظهارات پاسخ می‌دهند: «یکی از دوستان گفتند ما از دست چپ و راست رئیس‌جمهور دل‌مان خون است. خب، حالا دل شما خون - که خدا نکند خون باشد - اما به شما عرض بکنم؛ اینها جزء مسائل تعیین‌کننده و اصلی نیست. ممکن است ایراد و اشکال وارد باشد - من در این مورد هیچ قضاوتی نمی‌خواهم بکنم - ممکن است کسی به یک شخصی یا به یک کاری ایراد داشته باشد؛ منتها باید توجه کنیم که مسائل را اصلی - فرعی کنیم.»

واکنش رهبری به قراردادهای جدید نفتی

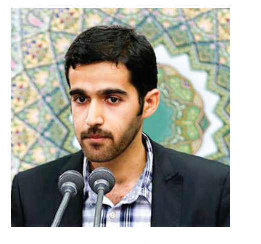

قراردادهای جدید نفتی از سال ۹۴ به یکی از سوژه‌های جدی محافل دانشجویی تبدیل شد تا جایی که بهمن ماه ۹۴ تجمعی مقابل وزارت نفت شکل گرفت که البته با برخورد دستگاه‌های انتظامی با دانشجویان پایان یافت. مجتبی رئیسی، نماینده جنبش عدالتخواه موضوع این قراردادها را به همراه چند نکته دیگر درخصوص بحث اقتصاد مقاومتی و ضعف‌های برنامه ششم مطرح کرد. رهبری البته نگاه متفاوتی نسبت به برخی انتقادات دانشجویان دارند و می‌گویند: «بعضی از اشکالات نه، وارد نیست؛ مثلا فرض بفرمایید در مورد این قراردادهای جدید نفتی که حالا محل بحث است، هنوز چیزی در این زمینه تصویب نشده؛ هنوز هیچ چیز مسلمی وجود ندارد. اول که این مساله مطرح شد، ما یک تذکراتی دادیم به مسئولین؛ گفتیم خب شما برای اینکه بدانید اشکالات این مدل قرارداد و این شیوه قرارداد چیست، باید با کسانی که در اقتصاد نفتی واردند مشورت کنید. رفتند بحث کردند، یک جلسه‌ای تشکیل دادند و از کسانی از اقتصاددان‌ها دعوت کردند که آنها هم اشکالات را بیان کردند و بنا شد اصلاح بشود. یک نوشته‌ای به من دادند که ما بررسی کردیم، تحقیق کردیم، معلوم شد که این ویراست شانزدهم است؛ یعنی شانزده بار این کیفیت قراردادها و این گزارش ویراستاری شده؛ مدام اصلاح شده، تصحیح شده. بعد که به دفتر ما مراجعه شد، دفتر ما گفتند این کافی نیست، چون بعد از این باز اصلاحات دیگری هم لازم بوده که انجام بگیرد که هنوز انجام نگرفته. بنابراین تا وقتی‌که این اصلاحات انجام نگیرد و این کار به‌معنای واقعی کلمه، مطابق منافع کشور نباشد این اتفاق نخواهد افتاد و این نوع قرارداد بسته نخواهد شد.» البته در ادامه بخش دیگری از صحبت‌های او را تایید کردند و گفتند: «خب این گفته شد که حالا به جای اینکه جاده را درست کنند می‌روند سراغ هواپیما؛ این حرف درستی است، یعنی ما هم این اشکال را داریم؛ منتها این را توجه داشته باشید و من هم بارها قبلا گفته‌ام که رهبری نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های گوناگون دولتی مدام وارد بشود و مدام بگوید این باشد، این نباشد؛ این نمی‌شود. نه قانون این اجازه را می‌دهد، نه منطق این اجازه را می‌دهد.»

ارزشی‌ها تجدید نظر کنند!

زهراسادات رضوی‌علوی، نماینده دفتر تحکیم وحدت در دیدار رمضانیه سال ۹۶ رهبر انقلاب با دانشجویان بود. بخش اعظمی از ارائه و نکات او به حوزه زنان مربوط می‌شد که برای نیمی از حاضران حسینیه امام خمینی اولویت داشت. او در سخنرانی خود گفت: «با توجه به تلاش جبهه مقابل برای ارائه الگوهای ناکارآمد از زنان، جهاد در این جبهه، نیازمند حضور اجتماعی-سیاسی و فرهنگی زنان انقلابی است و درد اینجاست که پس ذهن جریان ارزشی و انقلابی ما، هیچ لزومی برای حضور زنان در جامعه نیست! گویی در این زمینه، جامعه ارزشی ما را خوابی غفلت‌گونه فرا گرفته است. آقاجان! ما را فرمان دادید که الگوی زن مسلمان ایرانی را به همگان معرفی کنیم. وقتی اکثر آقایان ارزشی جامعه چنین الگویی را باور ندارند و در مقابل تحقق آن ایستادگی می‌کنند، تکلیف ما چیست؟» رهبر انقلاب در پایان سخنان این دانشجو واکنشی نشان دادند؛ «واقعا اگر ارزشی‌ها همینجوری که این خانم گفتند فکر می‌کنند، تجدیدنظر کنند!»

ایراد از ساختار است یا کارگزار؟

علیرضا شریفی یکی از سخنرانان دیدار دانشجویی سال ۹۸ است که به نمایندگی از بسیج دانشجویی پشت تریبون می‌رود. برخی دانشجویان گلایه‌های مختلفی از شرایط کشور دارند. بعضی مشکلات را متوجه ساز و کار و ساختار می‌بینند و برخی دیگر نیز معتقدند کارگزاران از پیشبرد اهداف انقلاب ناتوان هستند. شریفی پیشنهاد می‌دهد برای پایان ناکارآمدی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها در حوزه فرهنگی ریاست دو شورای عالی فضای مجازی و انقلاب فرهنگی از جایگاه ریاست جمهوری مستقل شود. او در ادامه می‌گوید: «موارد فوق به این سوال مشخص منتهی می‌شود که چه میزان از مشکلات و مسائل کشور ناظر بر کارگزاران و مسئولان است و چه مقدار منتهی به ناکارآمدی برخی ساز و کارها و ساختارها؟! خوشحال می‌شویم که بدانیم در نگاه معظم‌له اشکالات امروز کشور و خاصتا نظام سیاسی، اداری و اقتصادی را ناظر بر کارگزار می‌دانید و یا ساختار؟»

رهبر انقلاب در پاسخ به این سوال نماینده بسیج اینگونه پاسخ می‌دهند: «ساختار قانون اساسی ساختار خوبی است؛ یعنی اشکالی ندارد. البته ساختارها در طول زمان تکمیل می‌شوند، نواقص‌شان، خلأهایشان برطرف می‌شود؛ این [یک] امر طبیعی است. فرض بفرمایید که یک روزی ما مجمع تشخیص نداشتیم، این یک کمبودی بود، یک خلأیی بود. امروز این مجمع را داریم؛ و از این قبیل پیشرفت‌ها که در همه نظام‌های دنیا هم همین جور است. فرض بفرمایید در یک نظام حکومتی ریاستی مثل آمریکا که حالا دویست‌وخرده‌ای سال از تشکیل این نظام حکومتی می‌گذرد، همین چند سال قبل من می‌خواندم که یک چیزهایی را دارند تاسیس می‌کنند، به وجود می‌آورند، یا کم می‌کنند؛ یعنی نظام را [تکمیل می‌کنند]. بنابراین ساختار ایرادی ندارد، ساختار خوب است؛ البته ممکن است کم و زیادش کرد. [درمورد] آن موضوع نظام پارلمانی -که یکی از دوستان گفتند- بحث شده؛ اینها را ما در آن مجلسی که برای بازنگری قانون اساسی بود مفصل بحث کردیم و به این نتیجه‌ای که امروز هست رسیدیم. مشکلات نظام پارلمانی -برای ما لااقل- بیشتر از نظام ریاستی است. به هر حال، من مشکلی در ساختار نمی‌بینم. بله، ما کارگزارها اشکال داریم؛ در این شکی نیست. کارگزارها کوتاهی دارند، سلایق گوناگون دارند، ناتوانی‌هایی دارند، کمبودهایی دارند، و نتیجه این می‌شود که گاهی در حرکت اشتباه می‌کنیم. اشتباه ماها هم مثل اشتباه اشخاص عادی نیست؛ ما وقتی اشتباه می‌کنیم، اشتباه‌مان شکاف‌های بزرگی در متن جامعه به وجود می‌آورد.»

پایان حاشیه‌سازی با رفراندوم

از سال ۹۸ و پس از غائله بنزینی آبان ماه «شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» و حواشی برگزاری آن به یک چالش ذهنی دانشجویان علاقه‌مند به انقلاب اسلامی تبدیل شده است. موضوعی که در دیدار سال گذشته نیز توسط چند دانشجو مطرح می‌شود. صالح ترکمان، دبیر جنبش عدالتخواه دانشجویی گریزی به این موضوع می‌زند و می‌گوید: «سیاست غلط دیگری که هنوز روی آن پافشاری می‌شود تصمیم‌گیری درباره برخی مسائل مهم کشور در شورای سران قواست. این شورا جهت هماهنگی قوا برای مقابله با جنگ اقتصادی شکل گرفت، اما عملا تبدیل شد به محفل قانونگذاری چندنفره و بستری به وجود آورد برای دور زدن مردم، ساختارهای رسمی و محفلی کردن حکمرانی. مرور عملکرد این شورا حاکی از این است که شورا نه‌تنها تاکنون در اجرای مأموریت‌های اصلی خود موفق نبوده، بلکه باعث شکل‌گیری بحران‌هایی مثل اتفاقات آبان ۹۸ هم شده که هزینه‌هایی غیرقابل محاسبه برای کشور به‌وجود آورده. با این وجود اما این شورا تعطیل که نمی‌شود هیچ، بلکه در آخرین شاهکار در مصوبه مولدسازی علاوه‌بر مجلس قوه قضائیه را نیز دور می‌زند.» او در ادامه سخنرانی‌اش گره ذهنی دیگری را مطرح می‌کند که چند وقتی در فضای جامعه به‌عنوان یک راهکار مطرح می‌شود. ماجرای رفراندوم که کلیدواژه برخی شخصیت‌های سیاسی برای فرار از مسئولیت‌پذیری شده است. رهبر انقلاب به هر دو نکته صریح و روشن پاسخ می‌دهند: «درمورد جلسه اقتصادی سران قوا، اول این یک امر دائمی نیست یک امر موقت است؛ ثانیا برای مقاصد خاصی است؛ من چهار مورد را معین کردم و به آنها گفتم: یکی مساله بودجه است؛ تنظیم بودجه و اصلاح ساختار بودجه که یکی از مشکلات بزرگ ما همین مساله ساختار بودجه است و سه مورد دیگر؛ هدف این جلسه این بوده. البته تا حالا آن‌طور که باید و شاید پیش نرفته، اما علاجش تعطیل کردن نیست؛ علاجش این است که ما دنبال کنیم تا این کارها انجام بگیرد.» رهبری در ادامه به موضوع رفراندوم هم اشاره کردند: «حالا یکی از برادرها گفت رفراندوم؛ این جوری گفتند که اگر چنانچه شما از اول در همه مسائلی که پیش می‌آمد رفراندوم می‌کردید، حالا آن حساسیت روی رفراندوم وجود نداشت. کجای دنیا این کار را می‌کنند؟ مگر مسائل گوناگون کشور قابل رفراندوم است؟ مگر همه مردمی که در رفراندوم باید شرکت کنند و شرکت می‌کنند، امکان تحلیل آن مساله را دارند؟ این چه حرفی است؟ چطور می‌شود رفراندوم کرد، در مسائلی که تبلیغات می‌شود کرد، از همه طرف حرف می‌شود زد؟ اصلا یک کشور را شش ماه درگیر بحث و جدل و گفت‌وگو و دوقطبی‌سازی می‌کنند برای اینکه یک مساله‌ای رفراندوم بشود. در همه مسائل رفراندوم بکنیم؟ یعنی قضایا این جوری نیست که آدم این جور ساده از رویشان [عبور کند].»

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

دانشجو همان قشری است که بدون در نظر گرفتن تعارفات مرسوم زبان انتقادی تند و تیزی دارد و به دنبال پیدا کردن پاسخ سوالات خود از طرح آنها و پاسخگو کردن مسئولان ابایی ندارد. جنس دانشجو باعث شده تا مسئولان دولتی هم برخلاف تمایل‌شان مجبور باشند چنین دیدارهایی را در مناسبت‌های خاصی مانند ماه مبارک رمضان و ۱۶ آذر برگزار کنند. از رغبت پایین مسئولانی که ترجیح می‌دهند در معرض نقد دانشجوجماعت قرار نگیرند که بگذریم، مقام معظم رهبری چه در دوران ریاست جمهوری و چه رهبری‌شان، یعنی از اوایل دهه ۶۰ تا سال گذشته، ۲۵۶ دیدار دانشگاهی داشتند که از میان آنها، ۱۲ جلسه صرفا به پرسش و پاسخ دانشجویی اختصاص داده شده بود. دیدارهایی که خود ایشان بانی برگزاری آنها بوده‌اند. به طوری که نه تنها مقام معظم رهبری میزبان دانشجویان در حسینیه امام خمینی(ره) شده و می‌شوند، بلکه در این سال‌ها، با حضور در دانشگاه‌هایی مانند تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت، تربیت مدرس، امیرکبیر و لرستان به پرسش‌های دانشجویان در حوزه گوناگون علمی، اقتصادی و اجتماعی پاسخ دادند. نگاهی به سوالات دانشجویان نشان می‌دهد آنها سوالات صریحی را از رهبری به‌عنوان شخص اول کشور پرسیده و ایشان نیز به هرکدام از آنها پاسخ داده‌اند. طبیعتا در هر دیدار دانشجویان به فراخور شرایط آن برهه اقدام به طرح سوال کرده و پاسخ متناسب با پرسش‌شان را نیز دریافت کرده‌اند و حالا با گذشت سال‌ها دانشجویان سوالات دیگری دارند؛ سوالاتی که شاید جنس‌شان از لحاظ حوزه‌ای تفاوتی نکرده باشد و باز هم موضوعات اقتصادی، عدالت، برخورد با مفاسد اقتصادی و... دغدغه‌های اصلی آنها به شمار می‌رود. در این گزارش به ۱۰ پرسش دانشجویی پرداخته‌ایم که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به‌عنوان پرسش‌های اصلی دانشجویان به شمار می‌رفت.

دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۰۲/۲۲

مگر در قرآن عزیز ما نیامده است که انسان آزاد آفریده شده و بزرگ‌ترین آزادی، آزادی خواندن و نوشتن است؟ پس چرا در جمهوری اسلامی، این حق را از ما گرفته‌اند؟

من نمی‌دانم چه کسی این حق را گرفته است! هر کس گرفته، به من معرفی‌اش کنید، تا من بروم حق‌تان را از او بگیرم و به شما بدهم! حقیقت این است که شما جوانان، دوره قبل از انقلاب را در این کشور ندیده‌اید و بسیاری از کشورهای دنیا را هم ندیده‌اید. امروز خوشبختانه در ایران، آزادی فکر کردن و فکر را بیان کردن، در دنیا کم‌نظیر است. البته من نمی‌خواهم بگویم که اسلام این آزادی را بدون قید و شرط داده است؛ نه، این‌طور نیست. محدودیت‌هایی در همین زمینه وجود دارد که در قوانین ما هم آن محدودیت‌ها پیش‌بینی شده است که شاید آنچه محصول همه اینهاست، با همان معارف قرآنی که شما ذکر کردید، منطبق است. اما آنچه که امروز محصول همه اینهاست، آزادی است و خوشبختانه وجود دارد؛ خیلی هم خوب است. این وضعی هم که الان شما می‌بینید من و شما اینجا نشسته‌ایم و شما می‌گویید و من حرف شما را می‌خوانم، این هم جزء چیزهای کم‌نظیر در دنیاست. من از این‌که وضع در کشور ما، از جهات انسانی و احترام به شخصیت و هویت انسانی، آنچنان خوب باشد که توقعات بالاتری را بیافریند، خوشحال می‌شوم، مانعی هم ندارد، اما بدانید که اگر شما به جاهای دیگر - کشورهای مشابه ما، با سوابقی که شبیه هم داشته باشیم - بروید و در زمینه مسائل مربوط به آزادی نگاه کنید، خواهید دید که از این جهت، خوشبختانه هیچ‌جا نظیر ایران نیست.

دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۰۹/۰۱

سؤالی راجع به بحث «عدالت اجتماعی» دارم. علی‌رغم بیانات شما در چند سال گذشته، این بحث درگیر بازی‌های سیاسی گردید و به آن غایتی که جنابعالی فرموده بودید، چندان نزدیک نشد. آیا زمان آن نرسیده که به طریق اصولی به این بحث بنگریم و دارایی‌های افراد را مورد بررسی قرار دهیم و این امر را از دولتمردان آغاز کنیم و به مرور در جامعه تسری دهیم؟

این حرف بسیار خوبی است که گفتنش آسان است، اما عمل کردنش بسیار بسیار مشکل می‌نماید. به مجرد این‌که به سمت بعضی از مسئولان دست دراز شود، طبعا اولِ گله و شکوه و فریاد آنهاست. یک وقت می‌بینید که در اصل کار هم مانع‌تراشی می‌شود و انجام نمی‌گیرد! من یک عقیده جدی دارم که بحث «عدالت اجتماعی» باید تعقیب شود - شکی در این نیست و بارها هم این را گفته‌ام - منتها آن کسی که باید تعقیب کند، بنده نیستم؛ دستگاه‌های قضایی و دستگاه‌های دولتی هستند که بایستی دنبال کنند. یک مقدار از این قضیه باید به برکت قوانین خوب حل شود؛ یک مقدار باید به برکت اجرا حل شود؛ یک مقدار هم باید به برکت بازرسی دستگاه‌های برتر و بالاتر حل شود؛ یعنی دستگاه‌های دولتی، نسبت به بخش‌های زیرمجموعه خودشان. به هرحال، من نسبت به این قضیه، با نویسنده این نامه هم‌عقیده‌ام و امیدوارم که پیش برود. البته کارهایی هم می‌شود؛ نه این‌که هیچ‌کاری نشود. بنده چندی پیش در همین زمینه از قوه قضاییه سؤالی کردم. گزارش‌هایی دادند و کارهایی هم انجام می‌گیرد؛ لیکن روند کار طوری نیست که بنده را هم راضی کند؛ چه برسد شما را که جوان و آرمان‌خواه هستید.

دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

با این‌که شما از اوضاع مملکت خبر دارید و وضع مردم را خوب درک می‌کنید، ولی چرا کاری انجام نمی‌دهید؟ اگر مسئولان گوش نمی‌کنند، چرا با آنها برخورد نمی‌کنید و افراد لایق و قابل اعتماد و دلسوز برای ملت را جایگزین آنها نمی‌کنید؟ چرا باید بعضی اشخاص مصونیت آهنین داشته باشند و بعضی دیگر نه؟

از نظر من، هیچ‌کس مصونیت آهنین ندارد. همه در مقابل قانون و مسئولیت‌های خودشان پاسخگو هستند و باید جواب بدهند. اما این‌که چرا من افرادی را نمی‌گمارم؛ پاسخ این است که طبق قانون عمل می‌کنم. گماشتن افراد، به عهده رهبری نیست. مهم‌ترین و بیشترین بخش‌های کشور، بخش‌هایی هستند که مسئولیت گماشتن افراد در رأس آنها با رهبری نیست. طبق قانون روالی وجود دارد؛ باید آن روال عمل شود. اعتراض به آنها هم، باز روال قانونی دارد که اگر مسئولی کم‌کاری داشت و این ثابت شد، چگونه باید با او برخورد کرد. مجلس یک‌طور برخورد می‌کند، دستگاه قضایی هم یک‌طور برخورد می‌کند. بنابراین، کارها باید بر اساس روال قانون پیش برود. مسائل کشور هم این‌گونه ساده و یکدست و قابل اندازه‌گیری با یک نگاه نیست که ما بگوییم فلان مسئول توانست، یا فلان مسئول نتوانست. مسائل کشور - چه کارهای اقتصادی، چه کارهای سیاسی و چه کارهای فرهنگی - پیچیده است. آنجایی که شما می‌بینید بنده به کسی اعتراضی می‌کنم، هنگامی است که جمع‌بندی همه‌جانبه‌ای نسبت به آن کار صورت گرفته؛ والا این‌طور نیست که انسان بتواند از دور نسبت به کار مسئولی، ارزیابی‌ای کند و او را محکوم یا تأیید نماید. البته نتایج کارها بایستی در عمل دیده شود. چیزی که من همیشه به مسئولان - چه مسئولان قوه مجریه و چه مسئولان قوه قضاییه - توصیه می‌کنم، عمدتا این است که در برخورد با تخلف، هیچ‌گونه رودربایستی با کسی نکنند. به همین چند وزیر جدیدی هم که اخیرا انتخاب شدند، مجددا همین نکته را گوشزد کردم. مسئولان قوه قضاییه هم همین‌طور؛ در حوزه کار خودشان نباید به هیچ‌وجه دچار رودربایستی و ملاحظه‌کاری شوند. اگر این احساس مسئولیت بدون رودربایستی در مسئولان بالا باشد، این امید وجود خواهد داشت که بسیاری از آن چیزهایی که به نظر ناهنجار می‌آید، برطرف شود.

دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

چرا با مسئولان رده‌بالایی که در زمینه فعالیت اقتصادی دچار فساد شده‌اند یا با مفاسد اقتصادی برخورد قاطع نمی‌کنند، برخورد لازم نمی‌شود؟ چرا شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی‌گیرد؟

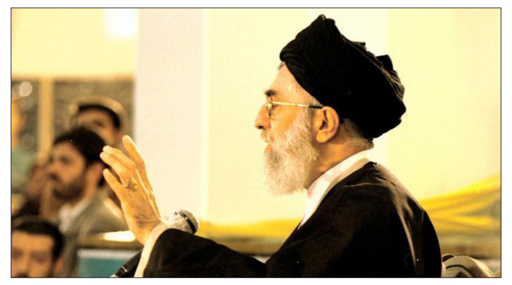

این‌که بگویید با کسانی که دچار فساد شده‌اند، برخورد قاطع نمی‌شود، این را قبول ندارم؛ نه، برخورد می‌شود. این‌که بگویید با کسانی که قاطع برخورد نمی‌کنند، چرا برخورد نمی‌شود، جواب این است که با کسانی که قاطع برخورد نمی‌کنند، چگونه برخورد کنیم؟ برخورد لازم همین است که تذکر و هشدار بدهیم و به آنها بگوییم؛ اما شفافیت لازم در این مورد برای مردم صورت نمی‌گیرد. یک وقت این انتظار وجود دارد که مرتب اعلامیه داده شود و بگویند فلان‌کس را گرفتیم، پدر فلان‌کس را درآوردیم، فلان‌کس این فساد را کرده؛ این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ماست؛ ما گفتیم اصلا نگویید. در مواردی هم که اعلام و جنجال شد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم را بر اساس محاسبه گرفتیم و این محاسبه هم حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لاپوشانی و پنهان نگه داشته شود؛ ابدا. بنده نمی‌خواهم ملاحظه کسی را بکنم؛ منتها فکر نمی‌کنم تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و روی آن قضاوتی نیست، باید سر زبان‌ها بیفتد و مطرح شود. هرکس این کار را بکند، بنده موافق نیستم؛ چه مطبوعاتی‌ها، چه رادیو و تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض کنم: یک نفر جرمی می‌کند، آدم خیلی بدی هم هست، باید هم مجازات شود؛ اما اگر ما اسم او را اعلام کردیم، با این اعلان، چند نفر مجازات می‌شوند؟ پسر و دختر او هم که در مدرسه یا دانشگاه درس می‌خوانند و در محله خود رفت و آمد دارند، مجازات می‌شوند. این کار چه لزومی دارد؟ بگذارید مجرم زندان برود و فی‌الجمله گفته شود این کار انجام گرفته؛ دیگر چه لزومی دارد ما بچه دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی‌اش را هم - که هیچ گناهی ندارند - مجازات کنیم؟ مگر وقتی که اجبار باشد؛ یعنی زمانی که وضعیت به گونه‌ای است که غیر از این امکان ندارد. آنجا چاره‌ای نیست؛ اما تا هنگامی که می‌شود اعلان نکرد، با این‌طور کارها خیلی موافق نیستم.

دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

همه مشکلات را به گردن نیروهای خارجی (آمریکای بیچاره!) نیندازید. رهبر کشور، خود باید پاسخگوی مشکلات کشورش باشد، نه یک کشور بیگانه.

کاملا درست است. اولا آمریکا خیلی هم بیچاره نیست؛ آنچنان هم که بعضی خیال می‌کنند، باچاره نیست! یک چیز میانه‌ای است. ما همه مشکلات را به گردن آمریکا نمی‌اندازیم - مشکلات ما از خودمان است - منتها دشمن می‌خواهد از این مشکلات حداکثر استفاده را بکند و پدر کشور و ملت را دربیاورد؛ این را هم نگوییم؟! ما نمی‌گوییم اگر تورم هست، تقصیر آمریکاست؛ نه، اگر تورم و کاهش قدرت خرید و کمبود اشتغال هست، چه کسی گفته تقصیر آمریکاست؟ این تقصیر خود ماست، تقصیر مسئولان است؛ اما اگر اسم آمریکا را می‌آوریم، می‌خواهیم بگوییم گرگی کمین گرفته و پشت خم کرده تا به شما حمله کند؛ از این غافل نباشید. به مسئولان می‌گوییم ضعف‌ها را برطرف کنید؛ به شما می‌گوییم متوجه این دشمن باشید تا به شما حمله نکند. وقتی دزدی کمین کرده است، وقتی حیوان وحشی‌ای در کمین انسان است، وقتی دشمن سلطه‌گری در کمین یک ملت است، یکی از وظایف اساسی و مهم مسئولان و رهبری کشور این است که به مردم بگویند توجه کنید؛ و نیز کارهایی که می‌دانند جلوی آسیب دشمن را می‌گیرد، به مردم بگویند و از آنها بخواهند؛ والا نخیر، ما مشکلات داخلی کشور را به گردن آمریکا نمی‌اندازیم. اما این‌که رهبر باید پاسخگوی مشکلات کشور باشد، البته همین‌طور است و شکی در این نیست؛ قانون هم موازین پاسخگویی را مشخص کرده است. هرکس به هر اندازه که حوزه اختیارات اوست، باید پاسخگو باشد. البته مسئولیت مدیریت انقلاب با مدیریت اجرایی کشور فرق دارد؛ این را توجه داشته باشید. رهبری طبق قانون اساسی در کشور مسئولیت اجرایی ندارد؛ جز در زمینه نیروهای مسلح. مسئولیت اجرایی به عهده قوای سه‌گانه است، منتها مدیریت انقلاب - که همان رهبری باشد - مسئولیت حفظ جهت‌گیری انقلاب و نظام را دارد؛ باید مواظب باشد انقلاب و نظام از آرمان‌ها منحرف و منصرف نشود؛ فریب دشمن را نخورد و راه را عوضی نرود؛ اینها مسئولیت‌های رهبری است. مسئولیت اجرایی به عهده مسئولان اجرایی است و هرکس مسئولیتی دارد، باید طبق مسئولیت خود عمل کند. رهبری نمی‌آید به وزارت اقتصاد یا بازرگانی بگوید این‌طوری کن یا به رئیس جمهور و فلان وزیر و فلان قاضی بگوید آن‌طوری کن؛ اینها کارهایی است که رهبری نباید وارد شود؛ هم برخلاف قانون است، هم برخلاف حق و مصلحت. مملکت باید طبق روال قانونی و با مسئولیت‌های مشخص شده حرکت کند؛ هرکس هم برخلاف مسئولیتش رفتار کرد، بالاخره تبعه، دنباله و نتیجه‌ای خواهد داشت که با آن هم طبق قانون باید رفتار کرد. بنابراین مطلب کاملا روشن است.

دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۰۲/۲۲

اینجانب روز یکشنبه همین هفته، شاهد مجروح شدن یک روحانی توسط یک نفر در خیابان کارگر بودم. به نظر شما، علت کاهش محبوبیت روحانیون بعد از انقلاب چیست؟

ایشان شاهد مجروح شدن یک روحانی بودند؛ اما من تقریبا شاهد شهید شدن چندین روحانی بودم. امر چندان عجیبی نیست. بالاخره هر آدمی ممکن است دشمنی داشته باشد. یک روحانی در خیابان مجروح شده؛ در همان ساعت، ده‌ها نفر غیرروحانی هم این طرف و آن طرف مجروح می‌شوند؛ این دلیل کمبود محبوبیت نیست. نمی‌شود هم به طور کلی گفت که بعد از انقلاب، محبوبیت روحانیون بالا رفته، یا پایین آمده است. بعضی‌ها محبوبیت‌شان زیاد شده، بعضی‌ها هم کم شده است. بعد از انقلاب، در برهه‌ای خیلی بالا رفته، در برهه‌ای هم یک خرده تنزل کرده است. بسته به شرایط و بعضی از پدیدارهای زمانی است. بر این قضیه، عوامل گوناگونی اثر می‌گذارد. اینها یک امر معمولی است. البته من نباید این را نگفته بگذارم که ممکن است یک انسان قدسی، اگر در هیچ‌کاری دخالت نکند و کنار بایستد، مقام قداست و آن حالت جنت‌مکانیش محفوظ باشد؛ اما به مجرد این‌که وارد میدانی شد، بالاخره یک عده مخالف و یک عده موافق پیدا می‌کند. اگر روحانیون در کارهای گوناگون - مثل اول انقلاب که در کمیته‌ها و یا نهادهای دیگر حضور داشتند - دخالت نمی‌کردند؛ یک گوشه در همان مسجد می‌ماندند و یک وقت هم مثلا ریشی می‌جنباندند و انتقادی هم از اوضاع می‌کردند، یقینا عده‌ای به اینها علاقه‌مند می‌شدند؛ ولی بدانید عزیزان من! وقتی انسان وارد این میدان شد، همیشه این‌گونه است که یک عده را با خود موافق می‌کند، یک عده را مخالف. البته سلیقه‌ها دوگونه است: بعضی می‌گویند خوب است ما جنت‌مکان بمانیم؛ کناری بایستیم و در هیچ‌کاری دخالت نکنیم. یک سلیقه هم می‌گوید نه، من جنت‌مکانی را رها می‌کنم و وارد میدان می‌شوم؛ کاری که تکلیف خودم می‌دانم، انجام می‌دهم. یک عده خوش‌شان می‌آید، یک عده هم بدشان می‌آید؛ باید خدا خوشش بیاید. این هم یک سلیقه دیگر است. این سلیقه، متعلق به آنهایی است که خوب عمل می‌کنند؛ اما همه یک‌طور نیستند. «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد.» در اینجا هیچ دعوی کلی نمی‌کنیم که هرکس این لباس را دارد، عالی‌مقام و عالی‌جاه است؛ نخیر، خیلی افراد هستند که در این لباس یا در هر لباس زیبا و پاک و مقدسی، ممکن است باطن نامقدسی داشته باشند.

دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۰۹/۰۱

چه دلیلی وجود دارد که با اشرافیگری ایجاد شده در بسیاری از مقامات کشوری، برخورد قاطع صورت نمی‌گیرد؟ چرا اصل قانون اساسی در مورد بررسی اموال اشخاص حکومتی به طور دقیق اجرا نمی‌شود؟

البته این‌که اموال مسئولان کشور را به طور دقیق رسیدگی کنند، چنین چیزی در قانون اساسی نیست. فقط در مورد تعدادی از مقامات - مثل رهبری، ریاست جمهوری و بعضی‌های دیگر - هست که اینها اولِ مسئولیت‌شان باید گزارش موجودی مال خودشان را بدهند؛ از مسئولیت هم که کنار رفتند، باز بایستی صورت موجودی‌شان را بدهند تا معلوم شود که در این مدت چه چیزی گیرشان آمده و چه چیزی اضافه کرده‌اند. البته این اصل هم اجرا می‌شود. بنده خودم به مناسبت شروع مسئولیت ریاست جمهوری و پایانش و نیز مسئولیت بعدی، بارها این ورقه را پر کردم و برای قوه قضاییه فرستادم. دیگران هم این کار را می‌کنند؛ منتها این سؤال راجع به اشرافیت، سؤال بسیار درستی است. اگر واقعا من احساس کنم که این سؤال و این مطالبه و این گرایش، در مجموعه جوانان دانشجو هست، حقیقتا خدا را شکر می‌کنم. شما بدانید که گرایش اشرافیگری آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال اینها علاجش کرد؛ خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست. این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور - احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رساتر، فرهنگ عمومی مردم - آن را دفع کند تا این علاج شود. آن کسانی که به اشرافیگری گرایش دارند و دل‌شان برای زندگی اشرافی لک می‌زند - یعنی خوردن و پوشیدن و زندگی کردن و مشی کردن به سبک اشراف و دور از زندگی متوسط مردم - یکی از کارهایی که می‌کنند، این است که این دید و ذهنیت را در مردم به‌وجود آورند که این چیز خوبی است و ارزش است؛ کما این‌که قبل از انقلاب این‌گونه بود. قبل از انقلاب، مسئولان حکومت، هرچه بیشتر با تشریفات و جاه و جلال و تکبر و تفرعن و لباس‌های فاخر ظاهر می‌شدند، یک عده از عوام مردم بیشتر خوش‌شان می‌آمد! فرهنگ عمومی را این‌گونه شکل داده بودند. بعد از انقلاب بعکس شد. لذا کسانی هم که اهل کارهای اشرافیگری بودند، از ترس گرایش مردم، اجتناب می‌کردند؛ اما امروز به‌تدریج می‌خواهند کار را به‌عکس کنند. به نظر من، اشرافیگری برای یک کشور آفت است؛ اشرافیگری مسئولان، آفت مضاعف است؛ به خاطر این‌که اگر اشراف عالم از مال خودشان - حالا حلال و حرامش به عهده خودشان - خرج می‌کنند، از مال خودشان اشرافیگری می‌کنند؛ اما اگر مسئولان اشرافیگری کنند، از مال مردم خرج می‌کنند؛ مال خودشان که نیست. این اشرافیگری با احساس عمومی مردم، با نوشتن، با گفتن و با ترویج این فکر، درست خواهد شد. این باید به یک فرهنگ تبدیل شود؛ کاری نیست که بشود به‌صورت دادگاه ویژه و محاکمه و امثال اینها درستش کرد.

دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

درحرکت به سمت پیام جنابعالی، با برخی از مسئولان متخلف مواجه می‌شویم که جنابعالی آنها را منصوب فرموده‌اید. عده‌ای از دوستان می‌گویند اگر رهبری لازم می‌دانست، به آنها تذکر می‌داد یا آنها را برکنار می‌کرد. نظر جنابعالی چیست؟

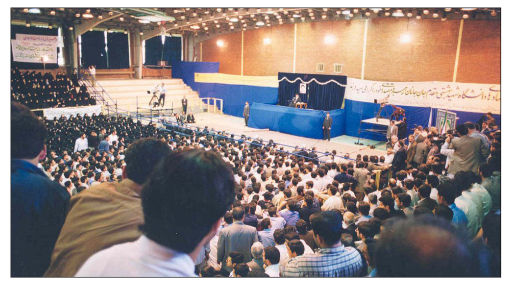

اگر من کسی را منصوب کرده باشم و بعد در او عیبی از قبیل همین مفاسد اقتصادی ببینم، بدون تردید با او مماشات نمی‌کنم و او را کنار می‌گذارم - مثل نمایندگی‌هایی که هستند و بعضی سمت‌های معروف - منتها معلوم نیست آنچه درباره آن شخص گفته شده، حقیقت داشته باشد. نسبت به برخی افراد حرف‌هایی می‌زنند که من هم آن حرف‌ها را شنیده‌ام و از نزدیک می‌دانم که خلاف است و درست نیست؛ ممکن است این هم از آن قبیل باشد. به هرحال بنده فساد را در کسی که با حکم من منصوب شده و می‌توانم او را از آن کار برکنار کنم، تحمل نمی‌کنم؛ اما این‌که «اگر رهبری لازم می‌دانست، به آنها تذکر می‌داد» بله، آنجایی که جای تذکر است، تذکر می‌دهم؛ اما تذکر به شخص، چیزی نیست که از تلویزیون پخش شود. آن مقدار که شما می‌بینید بنده در سخنرانی‌ها، نماز جمعه و در دیدار با هیأت دولت تذکر می‌دهم و نصیحت می‌کنم که در خبرها پخش می‌شود. چند برابرش را گاهی با زبان‌های بسیار تلخ در جلسات خصوصی به مسئولان می‌گویم؛ لیکن بنا نیست که هرچه به مسئولان تذکر می‌دهیم و می‌گوییم یا تلخی نشان می‌دهیم، حتما پخش شود تا مردم مطلع شوند. هدف این است که آن شخص راهنمایی شود، که خیلی از اوقات اثر می‌کند و گاهی هم اثر نمی‌کند و بعد می‌بینید آن شخص می‌رود.

دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

چرا بعضی از مسئولان نسبت به مشکلات مردم بی‌تفاوت هستند؟ نظر حضرتعالی درباره وظیفه دانشجویان در این خصوص چیست؟ آیا دانشجو باید در مقابل بی‌عدالتی‌ها و عدم مساوات همچنان ساکت و بی‌تفاوت باشد یا خیر؟

درباره این موضوع صحبت کردیم. بنده معتقد به این نیستم که دانشجویان باید سکوت کنند و هیچ حرفی نزنند؛ به این هم معتقد نیستم که دانشجویان باید از خودشان در وسط میدان تحرک عملی نشان دهند؛ بلکه معتقدم دانشجو در زمینه عدالتخواهی باید اصل قضیه را مطالبه کند: جا انداختن فکر عدالتخواهی در ذهن مردم، در ذهن خانواده‌ها و در ذهن هرکسی که در حوزه کار او قرار می‌گیرد.

دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

چرا در مبارزه با مفاسد اقتصادی وقتی نوبت به مسئولان نظام می‌رسد، این حرکت متوقف می‌شود؟

البته این‌طور که تصور می‌کنید، نیست؛ این از همان موارد ابهام‌آفرین است. این‌طور نیست که وقتی به مسئولان می‌رسد، مبارزه نشود؛ نه، در مواردی نسبت به مسئولان سختگیری بیشتری هم می‌شود. شما بدانید الان قوه قضاییه از طرف جماعتی نمی‌گویم چه کسانی - که آدم‌های بدنامی هم نیستند؛ مردمان خوبی هم هستند، متهم است به این‌که نسبت به مسئولان دولتی و نظام زیادی سختگیری می‌کند؛ حالا این دوست‌مان - برادر یا خواهرمان - می‌نویسند که نسبت به مسئولان اغماض می‌شود؛ نخیر، به هیچ‌وجه این‌طور نیست. جرم را باید شناخت، میزان جرم را باید فهمید، آن‌گاه توقع مجازات متناسب با میزان جرم را داشت. اینها و پرونده‌های دیگری هم که اسم آوردید، بررسی شده است. اگر بنده بدانم در نمایندگانم مفاسدی وجود دارد، قطعا برخورد می‌کنم و ملاحظه هیچ‌کس را نمی‌کنم؛ منتها نباید به شایعات اعتماد کنید. شایعه درست کنند که فلانی بخوربخور دارد، فلانی فاسد است؛ نخیر، این‌طور نیست؛ ما اطلاع داریم و می‌دانیم. کانال‌های ارتباطی بنده خیلی وسیع است و برخلاف آنچه بعضی‌ها تبلیغ می‌کنند، به هیچ‌وجه منحصر به یک یا دو کانال نیست؛ من از راه‌های مختلف ارتباط برقرار می‌کنم و خیلی چیزها را می‌دانم. این‌طور نیست که واقعا جرم و فسادی اتفاق افتاده و نسبت به آن اغماض شده باشد؛ نه. بنده با مفاسد میانه‌ای ندارم و نسبت به آن اغماض نمی‌کنم.